

توفان ارگان حزب کار ایران

بوی کباب به مشام در یوزگان سیاسی رسیده است

امپریالیستهای آمریکا با بی شرمی 85 میلیون دلار برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بودجه در نظر گرفته اند. البته روشن است که بجز مثنی و ابستگان به رژیم جمهوری اسلامی کسی در ایران و خارج ایران پیدا نمی شود که بر ميث رژيم جمهوری اسلامی قطره اشکی بریزد و نماز ميث بگذارد. ولی در عین حال مردم ایران خواهان آن هستند که این رژیم را با اراده و تصمیم و فداکاری توده های مردم ایران و نه اجانب که می خواهند مجددا بر منابع طبیعی ما مسلط شده و سرنوشت خلقهای ایران را در دست خویش بگیرند و سرنوشت ما را تعیین کنند، سرنگون نمایند. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باید گامی در جهت آزادی، دموکراسی و استقلال و عدالت اجتماعی به مفهوم تحقق خواستهای زحمتکشان ایران باشد. این آرزوها و خواستها با دستهای تا به مرفق به خون آغشته امپریالیستها از خون آزادیخواهان ایران و جهان عملی نیست. این است که تنها در یک مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای تحقق خواستهای برشمرده ممکن است.

شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی یک شعار انقلابی نیست، شعاری است که حتی مورد حمایت ضد انقلاب نیز قرار گرفته است. امروز تنها شعار سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که در عین حال سرنگونی طبقات و امپریالیسم و صهیونیسم را در نهاد خویش منتز دارد شعاری انقلابی است و باید در مقابل شعار جرج دبلیو بوش تبلیغ شود. آن جریانهای اپوزیسیون ایران که این خط تمایز خویش را با شعارهای امپریالیستی مشخص نمی کنند دیر یا زود باید در جبهه امپریالیستها بچنگند.

این اقدامات امپریالیست آمریکا دخالت لجام گسیخته در امور داخلی سایر ممالک است و ما هرگز نمی توانیم با این نظریه "حق دخالت در امور داخلی سایرین" موافق باشیم و آنرا به رسمیت بشناسیم. شعار حق تعیین سرنوشت خلقها، شعاری است که تکیه را "با دست خویش" و نه "با دست امپریالیستها" می گذارد. بهمین جهت نیز ما از شعار "حق خود تعیینی سرنوشت خلقها" سخن می رانیم. این "حق خود تعیینی" یعنی مبارزه با دخالت بی شرمانه امپریالیستهاست که در مغایرت روشن با همه مقررات و پیمانها و منشور سازمان ملل متحد قرار دارد.

اگر برای مثال دولت کوبا چنین بودجه ای را برای تغییر رژیم نیکار اگوئه به تصویب می رسانید، اکنون بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و آسیائی و... گوش فلک را کر می کرد که کوبا در امور داخلی سایر کشورها دخالت می کند. از نظر امپریالیستها هر نوع اقدام غیر قانونی و مغایر با مقررات و هنجارها و سنن جهانی مجاز است چنانچه منافع بی حد و مرز امپریالیست آمریکا را تامین کند. با این منطق چماق نمی توان موافقت کرد. امپریالیستها اخیرا دولت جمهوری اسلامی را به "بانک تروریستها" متهم کرده اند. منظورشان این است که جمهوری اسلامی به جنبشهایی که مورد توافق و موافقت امپریالیستها نیستند یاری مالی می رساند. منظور آنها در درجه نخست سازمان حماس در فلسطین و حزب الله در لبنان است. کسی منطق قراضه امپریالیستی را نمی تواند درک کند اگر به ماهیت امپریالیستها واقف نباشد. اگر یاری مالی به حماس و حزب الله تروریستی و دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر به حساب می آید به چه دلیل اقدام امپریالیست آمریکا چنین ماهیتی ندارد و یا نباید داشته باشد؟ اگر کمک مالی از جانب امپریالیستها صورت پذیرد بر اساس همان منطق قراضه، دخالت در امور داخلی سایرین محسوب نمی شود و حلال بوده و ماهیت تروریستی نیز نخواهد داشت، بلکه خدمتی در راه "دموکراسی" و "آزادی" است. ولی چنانچه که وضعیت عکس آن باشد یاری دهنده تروریست و مداخله گر است. ما سالهاست با این منطق و زبان امپریالیستی آشنا هستیم. تا زمانیکه این زبان قادر به تکلم باشد جز نحوست برای بشریت از آن بیرون نجهد.

از زمان طرح پیشنهادی آمریکا که در کنار تهدید به تجاوز و نفی حق قانونی ایران در غنی کردن اورانیوم برای مصارف صلح آمیز مطرح شده است، عمال و نوکران امپریالیستها در ایران بوی کباب به مشامشان رسیده است. موجود مسخره ای که از عیاشیهای شبانه اش مرخصی گرفته و خویش را مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران می نامد ناگهانی فعال شده و "عرق ملی اش" (بخوانید پولیش توفان) گل کرده و با محافل حامی خویش که وابستگان سازمان "سیا" هستند به سخنرانی مشغول است و از یک دانشگاه سفارشی به دانشگاه سفارشی دیگر می رود و نظریات بی سر و ته و ضد ایرانیش در مطبوعات فرمایشی و وزین امریکائی و اروپائی تجلی یافته و وی را مانند باد کنکی باد می کنند تا یک اپوزیسیون ساختگی که توانائی حیات بدون یاری آمریکا ندارد ساخته شود. مامور امنیتی سابق آقای پرویز ثابتی به

عنوان مشاور وی در کنارش است و از توصیه های آقای داریوش همایون رابط سابق با اسرائیل و یکی از موسسین و معماران حزب فاشیستی "رستاخیز" نیز برخوردار است.

شاهپرستان بر وزن آفتابپرستان رهنمود گرفته اند که جلسات سخنرانی بر گذار کنند و خود را فعال نشان دهند تا از این مبلغ مقادری زیادی به جیب مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران سرازیر شود. خنده دار این است که این ساواکیها و مزدوران سلطنت طلب برای روز 8 مارس روز جهانی زنان جلسات سخنرانی ترتیب می دهند. اگر کسی در زمان استبداد شاه در ایران در مورد روز جهانی زن سخنرانی می کرد و یا نشست و نمایشات تجلیلی برگزار می کرد سر و کارش با همین آقای پرویز ثابتی مشاور پسر شاه بود که دستور می داد تا ناخش را بکشند و به وی آب جوش تقیه کنند.

آقای داریوش همایون نیز در "رستاخیز" به تکفیر این روز کمونیستی می پرداخت. روز آزادی زن برای دیکتاتور منفور سابق روز 17 دی بود. سازمانها زنان شه ساخته این روز را به جای روز واقعی جهانی زن جا می زدند. اینکه آنها امروز بیاد 16 آذر و یا 8 مارس می افتند نه از روی اعتقاد آنهاست، بلکه حس کرده اند که می توانند برای فریب نسلی که در آن دور آنها وجود نداشته است اسباب فریب نوینی سر هم بندی کنند. سیاست کنونی آنها ادامه سیاست سرکوب و عوامفریبی گذشته آنهاست.

حزب کار ایران (توفان) همانگونه که بارها گفته است هرگونه گرفتن کمک از امپریالیستها و صهیونیستها را به هر بهانه ایکه باشد و حتی اگر با توجیه "بی قید و شرط" مزین شده باشد محکوم کرده و هر گروه، تشکل، سازمان، حزب و شخص حقیقی و یا حقوقی را که به این ننگ تن در دهد دشمن مردم ایران و طبقه کارگر ایران می داند. چنین تشکلی و یا فردی جاسوس کثیف امپریالیستها و صهیونیستها است و باید با آنها به مثابه جاسوس برخورد کرد. حزب کار ایران (توفان) در گذشته نیز همین نظر را داشته و دریافت چنین کمکهای ننگینی را در هر دوره ای که بوده باشد محکوم می کند. افکار عمومی از برخورد ما به "حزب کمونیست کارگری ایران" که هم ضد کارگری و هم ضد ایرانی است و هم دریافت کمک از امپریالیستها و اسرائیل را توصیه کرده است واقفند.

حزب ما حتی دریافت کمکهای مالی را از رژیم البکر و صدام حسین در گذشته عملی محکوم می دانست و به آن برخورد کرده است. حزب ما با وجدان آسوده و با سربلندی می تواند در مقابل خلق و طبقه کارگر ایران ظاهر شود و بگوید که همواره متکی به نیروی خویش بوده است و کارنامه اعمالش از این نظر روشن است.

البته حزب ما انتظار دارد که سایر گروههای ایرانی نیز به زیر این سند امضاء بگذارند و تأیید کنند که به چنین ننگی تن در نداده اند. همین واقعیت که پاره ای گروهها و تشکلهای در پرده پوشی چنین رفتاری می کوشند حاکی از احساس گناه و شرمساری آنها در مقابل مردم ایران است. امروز با وضعیت جدیدی که امپریالیستها فراهم ساخته اند زمینه ای فراهم شده است که یک بار برای همیشه نیروهای انقلابی ایران تکلیفشان را با دریوزگان سیاسی که با کیسه گدائی به سراغ سازمان "سیا"، "موساد" و یا استخبارات عراق می رفتند و می روند تعیین کنند.

مبارزه با این اقدامات مداخله جویانه امپریالیستها در ایران با طرح چنین اطلاعاتیه و قطعنامه درونی آغاز می شود. باید همه اپوزیسیون ایران روشن کند که برخوردش به ماهیت این دریوزگان سیاسی چیست. این یک مبارزه مشخص ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خواهد بود.

حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org

******سایت ایرانی ما وابسته به حزب کار نیست و ما بخش مترقی نظرات حزب کار را حمایت کرده و دارای ریشه مشترکی در آن نظرات مترقی داشته و دارای فصل مشترک سیاسی می باشیم. سایت ایرانی ما، ثمره کار کمونیستهای انقلابی در داخل و خارج از کشور است.******